

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی (مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج)

حبیب‌الله زنجانی^۱

زینب باقیات اصفهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۰۴/۳۱

چکیده

به منظور بررسی تأثیر اشتغال و زندگی، خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی تعداد ۲۰۰ نفر از معلمان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه یک کرج با نمونه برداری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه محقق ساخته که به تایید استادان و صاحب نظران رسیده بود، پاسخ دادند. نتایج نشان داد که ۱- بین سن ازدواج (سال‌های گذشته از زندگی مشترک) و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه تعداد سال‌های بیشتری از ازدواج گذشته باشد میزان رضایت زنان از زندگی بیشتر است. ۲- بین وجود فرزند و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که زنانی که فرزند ندارند از رضایت کمتری در زندگی برخوردارند. ۳- بین میزان همکاری همسر و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که وقتی همسر فرد با او همکاری بیشتری دارد میزان رضایت زنان از زندگی بیشتر است. ۴- بین وضعیت اشتغال (رسمی، پیمانی یا حق التدریس) و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که شاغلین رسمی از شاغلین پیمانی و حق التدریس رضایت بیشتری از زندگی دارند. ۵- بین تحصیلات همسر و رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. ۶- بین تعداد فرزند و رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. ۷- بین وضعیت اقتصادی همسر در رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که زنانی که همسرانشان از وضعیت اقتصادی بالایی برخوردار هستند رضایت بیشتری از زندگی دارند. ۸- بین میزان ساعات کار در رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری به دست نیامد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، رضایتمندی از زندگی، سن ازدواج، وجود فرزند، میزان همکاری همسر، وضعیت اشتغال، تحصیلات همسر، تعداد فرزند، وضعیت اقتصادی، میزان ساعات کار.

^۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. عضو انجمن بین المللی مطالعات علمی جمعیت.
^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان - حقوق زن در اسلام. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
baghiat2020@yahoo.com

مقدمه

مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... بطور چشمگیر از بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد و فعالیت زنان در هر یک از این زمینه‌ها پیامدهای منفی و مثبتی در پی داشته است. نقش شغلی زنان، نقشی جدید در مقایسه با نقش‌های سنتی همسری و مادری مطرح است و عوامل متعددی می‌تواند بر احراز نقش شغلی زنان یا نبود آن و نیز ادامه یا ترک آن مؤثر واقع شود. شایسته است جهات مثبت و امتیازات نقش اشتغال زنان از ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی برای افراد جامعه چه زن و چه مرد مورد شناسایی و تأکید قرار گیرد. پرداختن به نقش اشتغال برای زنان در کنار نقش‌های خانوادگی، وظیفه‌ی سنگین و خطیری است که بر دوش مادران نهاده می‌شود» (احمدی‌نیا، ۱۳۸۳: ۳۴۰).

بطور کلی بیرون رفتن زن از خانه و چند ساعتی از روز را در اجتماع بودن باعث می‌شود که رفتار وی در خانواده هم تحت تأثیر قرار گیرد. به نظر می‌رسد که زنان هنگامی که شاغل هستند به دلیل آنکه به استقلال مالی می‌رسند، آرامش خاطر بیشتری دارند و همین آرامش خاطر تأثیر بسزایی بر روابط وی با همسر، بچه‌ها و سایر اقشار جامعه می‌گذارد که باعث به وجود آمدن رضایت زناشویی در زندگی می‌شود و بر میزان رضایتمندی خود زنان نیز مؤثر است.

با توجه به تأثیری که اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان دارد این تحقیق سعی بر آن دارد تا به بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان مطالعه موردی زنان معلم ناحیه یک شهر کرج بپردازد.

بیان مسأله

تأثیری که کار زن و درآمد وی در ابعاد مختلف زندگی دارد بر کسی پوشیده نیست خصوصاً اثری که این درآمد بر رفاه خانواده و رضایت زناشویی می‌گذارد. امروزه رفاه خانواده در جوامع بسیار مهم است و اعضای اصلی آن یعنی زن و شوهر تلاش خود را انجام می‌دهند تا از هر جهت به آرامش و خوشبختی و رضایت برسند.

اشتغال زنان در فعالیت‌های اقتصادی خارج از چهارچوب خانوار که طی چند دهه گذشته تدریجاً اهمیت یافته مسائلی را مطرح کرده است که به دلیل اهمیت، موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است و از آنجا که این امر خصوصاً در ایران با شتابزدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح گردید و در عین حال شرایط اجتماعی، فرهنگی جامعه ایران در خیلی موارد پویایی مناسب با آن را نداشته است، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد - در برخی از موارد - مواجه گردیده و از سویی دیگر اختلاف عقیده در میان توده‌های مختلف مردم موجب شد (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

از جمله این عوامل رضایت یا نارضایتی است. اگر بخواهیم رضایت را در خانواده ایجاد کنیم باید به دنبال عواملی باشیم که موجب ایجاد رضایتمندی می‌شود و خانواده‌ها را به سوی آن ترغیب کنیم. یکی از این عوامل اشتغال زنان است. مشارکت روزافزون زنان در بیرون از خانه باعث تقویت حس اعتماد

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

به نفس و استقلال و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و برخورد مناسب با حوادث زندگی و اثر مطلوب بر روابط خانوادگی بر جای گذارده است. از آنجا که یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی مسأله اقتصادی و درآمد است، چنانچه این درآمد از طرف هر دو زوج باشد باعث سهولت زندگی می‌شود؛ ولی در کنار این سهولت زندگی، در پاره‌ای موارد باعث بروز مسائل و مشکلات هم می‌شود که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

ضرورت مسأله

جهان امروز سیر هزاران ساله‌ای را برای رسیدن به تمدن جدید گذرانده است که این سیر همچنان ادامه دارد. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و تلاش می‌کند تا همگام با کشورهای پیشرفته برای رسیدن به تمدن‌های جدید حرکت کند. در این میان «گشایش جامعه ایران به سوی آورده‌های تمدن جدید دگرگونی‌های بسیاری به بار آورد که از مهمترین آنها حرکت زن از خانه و دستیابی به بازار اشتغال است. این پدیده جامعه و مخصوصاً خانواده ایرانی را از جهاتی بسیار تحت تأثیر قرار داد و چهره اشتغال صورتی تازه یافت. با رفتن زنان از خانه و اشتغال آنان اصول زندگی سنتی درهم شکسته شد و در همه زمینه‌ها محاسن و معایبی را به دنبال داشت؛ انقلابی را در بسیاری از ارکان جامعه به وجود آورد که بیشترین تأثیر آن بر روی ساختار خانواده بوده است.

رضایت از عوامل بسیار مهم در زندگی است، در صورت وجود آن در زندگی و خانواده، باعث می‌شود زوجین آرامش را در زندگی ببینند و با آرامش و رضایت آنها، فرزندان نیز در خانواده به خوبی تربیت می‌شوند و آثار آن را در جامعه از خود نشان دهند؛ نبود رضایت باعث مشکلات و اختلافات زیادی در بسیاری از زمینه‌ها می‌شود، حتی در پاره‌ای موارد زوجین را تا پای میز طلاق هم می‌کشاند که عواقب بسیار بد و وخیم آن بر کسی پوشیده نیست.

در این میان وجود نگرش منفی مردان نسبت به نقش شغلی زنان و تأثیر عمده ممانعت برخی از مردان از شروع به کار یا ادامه اشتغال همسران، شرایط نابرابری شغلی و درآمدی زنان و مردان در بازار کار، ابراز ناخرسندی شوهران نسبت به کارکردن زنان شاغل، احساس تعارض نقش در مورد مادران شاغل که در نتیجه شرایط اجتماعی فرهنگی مذکور پدید آمده، بعضاً منجر به مشکلات سلامت روانی و جسمانی برای زنان شاغل می‌گردد (احمدی‌نیا، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۴).

همین مشکلات سلامت روانی و جسمانی در زنان باعث بروز مشکلات در خانواده شده و موجب می‌شود که زنان مسؤولیت‌های همسری و مادری خود را در خانواده انجام ندهند؛ همین امر اهمیت تحقیق حاضر را دو چندان می‌کند چرا که خانواده بنیان جامعه است و چنانچه خللی بر آن وارد شود کل جامعه دچار مشکل می‌شود.

با توجه به اهمیت ویژه ای که اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان دارد این تحقیق سعی بر آن دارد تا به بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان مطالعه موردی زنان معلم ناحیه یک شهر کرج بپردازد.

مبانی نظری

از آنجائی که تحقیق حاضر سعی بر آن داشت که به بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی بپردازد، برای چارچوب نظری تحقیق از نظریات مرتون، ویلیام گود و توئیستس استفاده می‌نمائیم.

نظریه مجموعه نقشی مرتون

مطابق این نظریه، مرتون^۳ (۱۹۷۵) ویژگی اساسی ساختار اجتماعی را در این خصوصیت می‌بیند که هر پایگاه اجتماعی نه با یک نقش، بلکه با سلسله‌ای از نقش‌های به هم پیوسته که لازم و ملزوم یکدیگرند، شناخته می‌شود. بدین اعتبار هرگاه شخصی پایگاهی را اشغال کند همزمان با انتظارهای متعددی روبروست، همین خصوصیت است که به نظر مرتون مفهوم مجموعه‌ی نقشی^۴ را از مفهوم نقش‌های مضاعف متمایز می‌سازد و به آن تازگی می‌بخشد. در نظر مرتون، تعارض بین نقش‌ها صرفاً از طریق برخورد در نقش متمایز بوجود نمی‌آید، بلکه ریشه در ساختارهای اجتماعی دارد، هر یک از نقش‌های اجتماعی نمایانگر سازمانی متفاوت است. نقشی که از یک پایگاه خاص مشتق می‌شود غالباً شامل «زیر-نقش‌های» بسیاری است. مطابق نظر مرتون هر پایگاه شامل دسته‌ای از نقش‌هاست که هر یک مستلزم روابط متقابل بسیاری است. غالباً روابط مختلفی که از نقش واحدی منبث می‌شوند با یکدیگر برخورد نمی‌کنند، زیرا به دنبال هم می‌آیند، اما گاه کسی که در پایگاهی شاغل است خود را با توقعات نقش‌های مختلف روبرو می‌بیند و برای او دشوار است که به طور همزمان جوابگوی الزامات هر یک از آنها باشد. حال هر قدر یک نقش مشخص، زیر نقش‌های بیشتر و ناهمگون تری را ایجاب کند، بر تعداد توقعات متعارض افزوده می‌شود، زیرا احتمالاً هر یک از کسانی که زیر نقش‌های مکمل را اشغال کرده اند، نقش معلومی را به نحو بسیار متفاوتی تعریف می‌کنند، از نظر مرتون «تعارضاتی که در این مجموعه‌ی نقشی روی می‌دهد، بیشتر ریشه در تعریف این نقش‌ها دارد. یعنی آنها را ساختار اجتماعی معین می‌کند تا شخصیت کنشگر یا ویژگی‌های وضعیت.» چنین رویکردی به مفهوم نقش و پایگاه

^۳. Merton.

^۴. Role Set.

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

اجتماعی از طریق ایفای کارکرد نهادهای اجتماعی است که در نظر مرتون اصولاً نظامی از مجموعه نقش‌هاست و نه صرفاً اجتماعی از نقش‌های مضاعف. (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۸۸)

ساز و کارهای کاهش تعارض

مرتون طبیعت نظام مجموعه نقشی را تعارض آمیز می‌داند، هر چند معتقد است که گریزی از آن نیست و می‌بایست از طریق مکانیسم‌های اجتماعی با متمایز ساختن انتظارات سایر کنشگران از شخصی که یک پایگاه اجتماعی معین توسط او اشغال شده، آنها را با وی مرتبط ساخت تا شخص در نتیجه اشغال آن پایگاه اجتماعی، تعارض کمتری احساس کند. «مسأله‌ی قابل طرح در این زمینه، مشخص کردن ساز و کارهای اجتماعی به وجود آورنده‌ی انتظاراتی مربوط به این مجموعه‌ی نقشی است، به طوری که شخص دارای پایگاه، کمتر با تعارض روبرو شود.» این مکانیسم‌ها باید انتظارات کنشگران را با هم ترکیب کند. مرتون تأکید می‌کند که مسأله‌ی به هیچ وجه جنبه فردی ندارد، یعنی موضوع این نیست که معلوم شود چگونه فردی معین، در حالی که با انتظارات متفاوت و متعارض روبروست، می‌تواند به طور همزمان از عهده ایفای نقش‌های خود بر می‌آید، بلکه مسئله اصلی شناسایی شرایط و عوامل اجتماعی است که فرد را قادر می‌سازد در چنین شرایط تعارض آمیزی که می‌تواند همواره بالقوه موجود باشد یا بوجود بیاید، این انتظارات متعارض را با هم ترکیب کند. تأکید مرتون با اتخاذ راه حلی اجتماعی و نه فردی برای مسأله تعارض نقش‌ها از این روست که وی منشأ اصلی چنین تعارضی را متفاوت بودن وضعیت افراد در ساختار اجتماعی می‌داند که سبب می‌شود آنها در مقایسه با کنشگری که یک پایگاه اجتماعی معین را اشغال کرده است، منافع، احساسات، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی متفاوتی داشته باشند. (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۱۳ و ۳۸۸).

تعیین اهمیت نسبی پایگاه

نخستین دسته از این مکانیسم‌ها، آن است که اهمیت نسبی پایگاه‌های مختلف را نسبت به هم، آن طور که ساختار اجتماعی معین کرده است در یک مجموعه‌ی نقشی بازشناسیم. معلوم کنیم که کدام روابط نقشی مشخص برای برخی افراد دارای اهمیت اصلی و برای برخی دیگر دارای اهمیت فرعی می‌باشند. بنابراین باید مشخص کرد که اعضای یک مجموعه‌ی نقشی تا چه حد برای توقعات و انتظارات خود از فرد صاحب پایگاه اهمیت قائل هستند؟ هر گاه تمامی یا برخی از افراد حاضر در یک مجموعه‌ی نقشی برای توقعات و انتظاراتشان از فرد صاحب پایگاه اهمیت فرعی قائل باشند، شخص بهتر خواهد توانست در برابر توقعات و انتظارات افراد ایستادگی کرده و به تعارض نقش کمتری دچار گردد. اما چنانچه هر یک از اعضای حاضر در مجموعه‌ی نقشی برای انتظارات و توقعات خود از فرد صاحب پایگاه به اندازه‌ای برابر اهمیت قائل باشند و به بیان دیگر هر یک از آنها به انتظارات خود از فرد صاحب پایگاه

اهمیت اصلی بدهند، فرد کمتر قادر خواهد بود که به طور همزمان این توقعات متعارض پاسخ گوید و در نتیجه احتمال بروز تعارض نقش بیشتر می‌شود. (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۸۸).

موازنه قدرت

مطابق نظریه مرتون، اعضای یک مجموعه‌ی نقشی دارای قدرتی برابر یعنی ظرفیتی مشخص و قابل پیش بینی برای اعمال اراده خود به دیگران، علی‌رغم مقاومت آنها برای شکل دادن به رفتار اشغال کننده پایگاه نیستند. یعنی برخی از آنها قدرتمندترند، حال اگر هیچ کدام از اعضای مجموعه‌ی نقشی دارای قدرت انحصاری نباشد، یا قدرت هیچ یک از آنها از کل قدرت‌های دیگران برتر نباشد و بین تمام یا بعضی از اعضای مجموعه‌ی نقشی نیز ائتلاف قدرت پدید آید، اشغال کننده پایگاه اجازه می‌یابد تا به اراده خود رفتار کند و به تعبیر دیگر وجود موازنه قدرت سبب می‌شود که انتظارات متعارض سایر اعضای مجموعه‌ی نقشی، یکدیگر را خنثی و به فرد امکان آزادی عمل بیشتری داده شود. (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۱۵).

حال اگر دو عامل قدرت و اهمیت نسبی پایگاه را با هم ترکیب کنیم در می‌یابیم که حتی در صورت وجود انحصار قدرت در دست اشخاصی که در مقایسه با سایر اعضای مجموعه‌ی نقشی از قدرت فائق و برتر برخوردارند چنانچه این اشخاص به انتظارات اشغال کننده پایگاه اهمیت کمتر و فرعی تر بدهند، به همان اندازه نیز انگیزه کمتری خواهند داشت تا از حداکثر قدرت بالقوه خود برای وارد کردن اشغال کننده پایگاه به اجابت انتظاراتشان استفاده کنند، بنابراین در این حالت نیز اشغال کننده پایگاه آزاد خواهد بود تا مطابق انتظارات خود رفتار کند (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۴۴).

میزان تعامل

موضوع دیگر از نظر مرتون، میزان تعامل شخصی با سایر اعضای مجموعه‌ی نقشی است. تعامل اشغال کننده پایگاه اجتماعی با هر یک از اعضای مجموعه‌ی نقشی دارای درجات متغیری از تناوب است که به او اجازه می‌دهد که وی بتواند بدون آنکه در معرض فشار انتظارات مغایر سایر اعضا قرار گیرد، رفتار کند، در این حالت اشغال کننده پایگاه می‌تواند برای فعالیت‌های که ساختارهای اجتماعی بتوانند چنین نقشی پوششی ایجاد کند، به تعبیر دیگر هر اندازه که ساختارهای اجتماعی بتوانند چنین امکانی را برای اشغال کننده پایگاه پدید آورند، به همان اندازه کمتر احتمال دارد که وی در معرض فشارهای ناشی از درخواست‌های متعارض سایر اعضای مجموعه‌ی نقشی قرار گیرد. ساختار اجتماعی هر اندازه که بتواند فعالیت‌های فرد را از شناسایی اعضای دیگر مجموعه‌ی نقشی پنهان کند، فرد کمتر در معرض فشارهای ناشی از درخواست‌های متعارض قرار می‌گیرد. از این لحاظ پایگاه‌های اجتماعی از نظر «قابل نظارت بودن» به طور ساختاری متفاوتند، اینکه فرد تا چه حد می‌تواند مانع از وقوف سایر اعضای مجموعه‌ی نقشی، نسبت به هنجارهای اجتماعی و فعالیت‌های مربوط به ایفای نقش معین گردد و در برابر اعمال نظارت اعضای مجموعه‌ی نقشی در این مورد ایستادگی کند. واقعیت ساختاری این است که پایگاه‌های

اجتماعی به تناسب میزانی که رفتار اعضای خود را طبق قاعده از مشاهده پذیری دیگر اعضای مجموعه نقشی پنهان می‌کند با یکدیگر متفاوتند. فرد بسته به این ویژگی ساختاری پایگاه اجتماعی خود، درجات متفاوتی از تعارض نقش را تجربه خواهد کرد، به عنوان مثال در آن دسته از نقش‌های شغلی که هنجارهای حرفه‌ای درجه معینی از استقلال عمل را برای شاغل حفظ می‌کنند، اشتغال کننده پایگاه، کمتر در معرض نظارت اعضای مجموعه‌ی نقشی و انتظارات متفاوت و گوناگون آنان قرار می‌گیرد، در نتیجه به جای پاسخگویی به این انتظارات فرصت می‌یابد به وظایف شغلی‌اش بپردازد (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۱۵ و ۳۱۶).

آگاهی از تعارض

از سوی دیگر آن گونه که مرتون در نظر دارد، آگاهی و قوف اعضای مجموعه‌ی نقشی از متعارض بودن انتظاراتشان از اشتغال کننده پایگاه اجتماعی معین، سبب می‌شود که آنان، از طریق سازش و تسلیم از تأکید بر این انتظارات دست بردارند، چرا که این امر موجب می‌شود که شخص به جای آن که خود را در معرض توقعات متعارض بیابد که می‌باید، بدون کنترل به تمامی آنها پاسخ دهد و بی آنکه حق اعتراضی داشته باشد فرصت می‌یابد که این انتظارات متعارض را برجسته و نمایان ساخته و آنها را به سوی صاحبانشان برگرداند، در واقع اشتغال کننده پایگاه با این کار، خود را از کانون این انتظارات بیرون آورده و ماهیت مسأله را از مسأله‌ای کاملاً شخصی، به مسأله‌ای که دیگران آن را برایش ایجاد کرده اند، تغییر دهد. در چنین شرایطی، دارنده‌ی پایگاهی که با تقاضاهای متعارض روبروست، نقش شخص ثالث (یا بیش از آن) را ایفا می‌کند، یعنی شخص سومی که از تعارض دیگران بهره می‌جوید. او در حالی که در کانون تعارض قرار دارد، به صورت تماشاگری می‌شود که کارکرد او برجسته کردن تقاضاهای متعارض اعضای مجموعه‌ی نقشی است. این موضوع نه برای او، بلکه برای دیگران مسأله‌ای می‌شود که باید تقاضاهای متعارض آنان حل شود (روش بلاو و اسپنله، ۱۳۷۲: ۳۱۷).

نظریه فشار نقش ویلیام گود

یکی از منابع اصلی رویکرد کمیابی نقش، نظریه ویلیام گود^۵ (۱۹۶۰) درباره فشار نقش است، به نظر وی ساختارهای جامعه از نقش‌ها و روابط نقش تشکیل می‌شوند و آنها نیز به نوبه خود از مبادله‌های نقشی تشکیل شده اند. چنین برداشتی از ساختار اجتماعی این اجازه را به وی می‌دهد که نظم اجتماعی را صرفاً محصول تعهد هنجاری و انسجام میان هنجارهای مورد اعتقاد افراد نبیند، بلکه آن را ناشی از

^۵. Goode.

^۶. Role Strain Theory.

تصمیم‌گیری فرد در جریان داد و ستدهای نقشی می‌داند که فردی برای تعدیل و کاهش تقاضاها و فشارهای نظام نقش کلی خود بکار می‌برد، بدین اعتبار وی نظم و انسجام اجتماعی را صرفاً با استناد به وفاق ارزشی، به عنوان کارکردی از هنجارهای مورد قبول عموم اعضای جامعه، قابل تبیین نمی‌داند. از نظر او تأکید بر عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری کنش فرد، ما را این تصور اشتباه دور می‌سازد که افراد وظایف خود را به دلیل کارکرد آن برای جامعه انجام می‌دهند. چرا که از نظر گود دیدگاه کارکردی قادر نیست توضیح دهد که جامعه، به رغم وجود افرادی که ارزش‌های اصلی جامعه را نمی‌پذیرند یا تعهد احساسی کمی نسبت به آن دارند یا با تغییر در پایگاه اجتماعی شان به لحاظ سن، جنس، شغل، دین و طبقه اجتماعی، تعهد آنها به هنجارها نیز نوسان می‌پذیرد، چگونه به دوام خود ادامه دهد؟ بدین ترتیب از آنجا که گود هم‌نوایی افراد با رهنمودهای هنجاری را تنها کارکرد تعهد آنها به ارزش‌های اجتماعی نمی‌شناسد و در نظر او تعهد ارزشی می‌تواند فاقد سازگاری یا سازگاری می‌تواند فاقد تعهد ارزشی باشد، بسیار محتمل است که گهگاه ارزش‌ها، آرمان‌ها و الزامات نقش هر یک از افراد در تضاد با یکدیگر قرار گیرد و شالوده نظم اجتماعی به مخالطه افتد. گود از این موضوع چنین نتیجه می‌گیرد که مطابق با نظریه نقش، نقش‌ها به عنوان اجزای ساختار اجتماعی است و احتمالاً ما باید تصمیمات نقشی افراد را مورد مشاهده قرار دهیم تا متوجه شویم که جامعه چگونه تداوم می‌یابد، در نظر او شالوده ثبات یا یگانگی اجتماعی، متزلزل و تصمیمات فرد مبهم به نظر می‌رسد چون حتی زمانی که فرد «هنجارهای جامعه» را کاملاً بپذیرد، آنها راهنماهای مناسبی برای کنش فرد نمی‌باشند، زیرا نمی‌توان نظم را از طریق هیچ راه حل عامی برای همه تصمیمات نقش اعمال کند. این دلایل به این معنی است که از نظر گود جامعه صرفاً بر پایه توافق در سطح کلان بنا نشده، بلکه ناهم‌نوایی، اختلاف و تضاد میان هنجارها و نقش‌ها می‌توانند در سطح روابط اجتماعی بین فردی، به عنوان وضعیت عادی تلقی شوند، زیرا همه اعضای جامعه به رغم آنکه مایلند آنچه را که برای بقای جامعه ضروری است و موظف به ایفای آن می‌باشند، انجام دهند، ممکن است به علت فرد گرایی یا فقدان منابع و انرژی کافی یا درخواست بودن نظام نقش کلی فرد، افراد قادر نباشند که به طور کامل پاسخگوی همه خواسته‌ها باشند.

(رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۵۰ و ۵۲)

خانواده به عنوان کانون بودجه نقش^۷

گود معتقد است که خانواده مرکز اصلی تخصیص نقش است و به همین دلیل نقش اساسی در کاهش فشار در نقش افراد دارد. کنش‌های متقابل و بی واسطه و پایدار افراد و دشواری فرد برای کناره‌گیری از روابط خانوادگی، این ویژگی را به خانواده می‌بخشد که کنترل اجتماعی نسبتاً به فرد و نظام کلی نقش‌های او داشته باشد و بتواند نسبت به تعهدات او به ایفای نقش‌هایش در نظام کلی نقش وی، آگاهی

^۷. The Family as a Role Budget center.

و شناخت کافی داشته باشد. اعضای خانواده غالباً تنها افرادی هستند که از چگونگی تخصیص انرژی فرد نظارت او بر نظام نقش‌هایش و نیز صرف زمان در تعهد به نقشی معین اطلاع دارند. بنا به نظر گود از آنجایی که خانواده شامل مجموعه‌ای از الزامات منزلتی است که روز به روز تغییر اندکی می‌کند و گریز از آن دشوار است، لذا می‌توان شقوق نقش را در برابر زمینه کاملاً بی‌ثباتی ارزشیابی کرد، در نتیجه سایر اعضای خانواده می‌توانند در مورد چگونگی تخصیص نیروها از یک «مرکز مطمئن» آگاهی دهند. فرد از این مرکز می‌تواند روش‌های اصلی برای متعادل نمودن فشار نقش را بیاموزد. ویژگی دیگر خانواده آن است که به عنوان یک نهاد حمایت‌کننده قوی برای مقابله با فشارهای تهدیدکننده‌ی فرد، عمل می‌کند و عواطف عمیق درون خانواده از طریق واداشتن هر فرد به تأیید نمودن یا همدردی کردن با دیگران باعث کاهش فشار و در صورت فقدان آن نیز موجب افزایش فشار به فرد می‌شود. بدین ترتیب مطابق نظر گود، وجود فضای همدلانه در خانواده، موجب می‌شود که انرژی بسیار کمی از افراد صرف شود و در نتیجه مقدار زیادی انرژی برای نقش‌های پرخواست تر آنان باقی بماند، همچنین این فضای همدلانه باعث می‌شود بدون از دست دادن انرژی، برخی نقش‌ها را ایفا کرد و حتی برای استفاده از آن نقش یا ایفای سایر نقش‌ها، تولید انرژی نمود (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۵۴).

منابع ارتقای پایگاه و عملکرد نقش

این منابع، مزیت‌های جانبی و غیر نهادی روابط اجتماعی هستند و علی‌رغم آنکه جزو لاینفک نقش نیستند، ولی مزایایی معمول، مرسوم و مشروع می‌باشند که به تلاش بیشتر نیاز ندارند. این مزایای فرعی در نتیجه عملکرد بهتر نقش، افزایش می‌یابند، اما فقط با اشغال یک موقعیت می‌توان آنها را به دست آورد، ضمن اینکه می‌توان آنها را مجدداً در نقش‌های دیگر سرمایه‌گذاری کرد و فشار تعدد وظایف نقش را جبران نمود عملکرد نقش را نیز بهبود بخشید. در نظر او فرصت انباشت مزیت‌های فرعی و انتقال پاداش‌های عملکردی و مزیت‌های فرعی و اصلی، از یک نقش به نقش دیگر، نمایانگر آن است که مرزهای نظام نقش می‌تواند بسیار وسیع باشد.

هر چند گسترش نظام نقش، فرد را در برابر طرف‌های نقش‌ها، آسیب‌پذیر می‌سازد، اما می‌تواند دسترسی سایر شرکای نقش را به منابع و مزیت‌ها صرفاً از طریق شخص میسر سازد، این حقیقت دو نتیجه بسیار مهم دارد: اولاً طرف‌های مقابل شخص وقتی او از برآورده کردن انتظارات آنها بر اثر اضافه بار نقش یا تقاضاهای متعارض در می‌ماند، قدرت تصدیق کمتری خواهند داشت و ثانیاً شخص نیز کمتر احتمال دارد از تأییدهای آنها استفاده کند، چون آنها به فرد بیشتر احتیاج دارند تا بالعکس. بنابراین شخص ممکن است بدون ترس از تلافی و انتقام، برخی از طرف‌های مقابل را نادیده بگیرد. بدین ترتیب اگر چه انباشت نقش احتمال تعارض و اضافه بار را افزایش می‌دهد، اما افزایش اهمیت و ضرورت آن، از فشار روانی وارد بر شخص می‌کاهد (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۵۶).

تقویت شخصیت و خشنودی شخص

چهارمین پاداش عمده حاصل از تعدد نقش‌ها منابعی است که انباشت نقش‌ها برای تقویت خود پنداره شخص فراهم می‌آورند و سلامت روانی او را تضمین می‌کنند و می‌توانند تنش حاصل از فشار و تعارض نقش‌ها را کاسته و فرد را برای انطباق با آن توانمند سازند. به نظر سایبر تحمل دیدگاه‌های متفاوت، دسترسی زیاد به منابع اطلاعات، افزایش حس انتقاد پذیری، ارضای نیازهای سطوح عالی تر نظیر خود شکوفایی و نیاز به تجارب جدید از جمله آثار مطلوب تعدد نقش‌ها برای سلامت روانی و اجتماعی فرد است. هر چند که این پیامدها برای سلامت روانی و اجتماعی کنشگر، بسته به نوع شخصیت افراد و شرایط وقوع نقش‌های چندگانه متفاوت خواهد بود. از سوی دیگر وجود نقش‌های متعدد، به افراد احساس اقتدار می‌بخشد و وجود انتظارات ناسازگار مایه وجهه اجتماعی فرد می‌شود. از نظر سایبر این افراد می‌توانند احساس برتری و اقتدار را با کنترل بر ادراک دیگران از نقش آنها به دست آورند. به طور مثال خود را مشغول جلوه دهند؛ از مطالبات متعارض شکایت کنند و خود را از پا افتاده نشان دهند؛ در نتیجه بخشی از فشار تعدد نقش‌ها را به وجهه اجتماعی مبدل سازند. زیرا دیگران برای کسانی که نظام نقش‌های مفصل و گسترده‌ای دارند، منزلت بیشتری قائل هستند و می‌دانند که برای اداره نقش‌های چندگانه، نیاز به استعداد و مهارت‌های خاصی است (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۵۷).

نظریه انباشت هویت‌های توئیتیسی

یکی دیگر از نظریه‌های جامعه شناختی مبتنی بر انباشتگی نقش‌ها را توئیتسی^۸ (۱۹۸۳) ارائه کرده است. نظریه انباشت هویت‌ها^۹ در اصل تلاشی برای تنظیم مجدد نظریه انزوای اجتماعی^{۱۰} روبرت فاریس^{۱۱} (۱۹۳۴) محسوب می‌شود زیرا نظریه مذکور قادر نبود انتقادهای محتوایی را پاسخ گوید (رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۶۰).

^۸. Thoits.

^۹. Identity Accumulation Hypothesis.

^{۱۰}. Social Isolation Hypothesis.

^{۱۱}. Faris.

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

نظریه تئویتیس بر رهیافت استرایکر^{۱۲} (۱۹۶۸) از نظریه کنش متقابل نمادین^{۱۳} (۱۹۳۴) و ویژه نظریه مید^{۱۴} درباره فرآیند توسعه «خود» از طریق اتخاذ نقش «دیگری تعمیم یافته» استوار است. فرآیند اتخاذ نقش دیگری تعمیم یافته، نخست یادآور می‌شود که فرد نسبت به جایگاه‌های اجتماعی خود در اجتماع و در جامعه آگاهی و پذیرش پیدا می‌کند، سپس پیشنهاد می‌کند که «خود» رشد یافته می‌بایست ساختاری پیچیده، نیمه ماندگار و سازمان یافته باشد. مطابق با معنای اول، به عهده گرفتن نقش دیگری تعمیم یافته موجب می‌شود که فرد با اشتغال موقعیت‌های اجتماعی و انتساب آن به «خود»، فرصت یابد در سلسله‌ای از روابط دوجانبه نقش به شیوه مورد انتظار دیگران رفتار کند و از این طریق مجموعه‌ای از هویت‌ها یا خودهای چندگانه را اتخاذ کند. مطابق نظر استرایکر «خود» به مفهوم مجموعه‌ای از هویت‌های مجزا در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر تعریف خود^{۱۵} بر مبنای جایگاه‌های اجتماعی اشتغال شده است. این هویت‌ها یا خودهای چندگانه که در روابط دو سویه نقش ایجاد شده و تداوم می‌یابند، حقوق و مسؤولیت‌های هر تعامل گر را معلوم می‌کنند. بنابراین اگر کسی بداند که کیست پس می‌داند که چگونه باید رفتار کند. در واقع الزامات نقش به زندگی فرد، هدف، جهت و هدایت می‌بخشد. (سلیمانی بشلی ۱۳۸۹: ۱۱۶).

اهداف تحقیق

- شناخت تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی در میزان رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر سن ازدواج (سال‌های گذشته از زندگی مشترک) در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر وجود فرزند در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر میزان همکاری همسر در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر وضعیت اشتغال (رسمی، پیمانی یا حق التدریس) در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر تحصیلات همسر در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر تعداد فرزند در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر وضعیت اقتصادی همسر در رضایتمندی زنان از زندگی.
- شناخت تأثیر ساعات کار در رضایتمندی زنان از زندگی.

^{۱۲}. Stryker.

^{۱۳}. Symbolic Interactionism Theory.

^{۱۴}. Mead.

^{۱۵}. Self-Definition

ابزار و روش

جامعه آماری

جامعه آماری تمامی معلمان زن ناحیه یک شهر کرج در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ است که تعداد آنها برابر است با ۱۱۲۳ نفر می‌باشد.

حجم نمونه و روش نمونه گیری

روش نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت نمونه گیری تصادفی می‌باشد. حجم نمونه، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و محاسبه‌ی آن به شرح زیر بوده است.

$$n = \frac{N(Z \frac{\alpha}{2})^2 p(1-p)}{\varepsilon^2 (n-1) + (Z \frac{\alpha}{2})^2 P(1-P)} = \frac{1123(0/6146)}{3/4196} = 201/8 \cong 200$$

$$1/96 = z \frac{\alpha}{2} \cdot 0/2 = q \cdot 0/8 = p \cdot 0/5 = d$$

ابزار گردآوری داده ها

در این تحقیق با توجه به آنکه پیمایشی است و نیز برای جمع آوری مطالب تحقیق از کتاب و کتابخانه استفاده گردیده است روش جمع آوری در آن به صورت پرسشنامه و اسنادی می‌باشد. بر اساس تکنیک انتخاب شده در این تحقیق (پیمایش) و واحد تحلیل تحقیق حاضر، اطلاعات لازم جمع‌آوری شده و به جامعه آماری مورد نظر تعمیم داده می‌شود. از جمله روش‌های رایج در تکنیک پیمایش، پرسشنامه و مصاحبه است. ابزار گردآوری اطلاعات در این کار، پرسشنامه می‌باشد، بدین ترتیب که به منظور دستیابی به اهداف ذکر شده سؤال‌هایی (باز و بسته) با توجه به فرضیات و متغیرهای تحقیق تنظیم شده، در اختیار پاسخگو (مورد نظر) قرار گرفته است. در این مورد، از یک پرسشنامه محقق ساخته ۲۲ سؤالی به همراه پرسشنامه استاندارد شده رضایت شغلی JDI استفاده گردیده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها و سؤال‌های اساسی تحقیق در دو سطح اطلاعات حاصل تحلیل می‌شود.

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

(۱) در سطح توصیفی: در این سطح عمدتاً از آمار توصیفی و روش‌ها و تکنیک‌های خاص آن نظیر میانگین، میانه، مد، واریانس و... خواهد شد.

(۲) در سطح تحلیل: در این سطح برای تحلیل روابط بین متغیرها از آزمون‌های آماری مناسب نظیر T, X^2 و F استفاده خواهد شد.

از آنجایی که علم آمار مجموعه‌ای از تکنیک‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و با توجه به اینکه هدف پردازش داده‌های حاصل از پرسشنامه که شامل دو مرحله جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها می‌شود، در این مرحله به تجزیه و تحلیل آماری پژوهش حاضر پرداخته شده است. این تحلیل به دو صورت توصیفی و تحلیلی انجام شده و با استفاده از نرم افزار spss و بر مبنای اینکه چه هدفی وجود دارد، نوع داده‌ها، نوع متغیرها و مقیاس سنجش، مناسب‌ترین تکنیک‌ها و آزمون‌ها (T, X^2 و F) را انتخاب و فرضیات تحقیق به آزمون کشیده است.

یافته‌ها

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین سن ازدواج (سال‌های گذشته از زندگی مشترک) و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه تعداد سال‌های بیشتری از ازدواج گذشته باشد میزان رضایت زنان از زندگی بیشتر است.

این فرضیه با استفاده از آزمون آماری کندال tau-b مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نشان داد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر $2/5$ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با $0/01$ است این نتیجه حاصل گردید که بین سن ازدواج افراد و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع فرضیه ما در این جا و با اطمینان $0/95$ مورد تأیید قرار گرفت.

رضایت از زندگی بالا سن ازدواج	متوسط	پایین	تعداد
کمتر از ۵ سال	۰	۱۸	۱۸
۵ تا ۱۰ سال	۰	۱۸	۱۸
۱۰ تا ۱۵ سال	۰	۱۸	۱۸
بیش از ۱۵ سال ۱۰۵	۶	۹۹	۱۰۵
کل	۶	۱۵۳	۱۵۹

مقدار کندال: $2/5 - 0/01$ sig:

سطح اطمینان: $0/95$

فرضیه دوم: بین وجود فرزند و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که زنانی که فرزند ندارند از رضایت کمتری در زندگی برخوردار می‌باشند. جهت تحلیل این فرضیه از آزمون آماری کندال tau-b استفاده گردید نتیجه تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۲/۲۶ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۰۲ است این نتیجه حاصل گردید که بین وجود فرزند و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع این فرضیه با اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار گرفت.

	رضایت از زندگی بالا وجود فرزند	متوسط	پایین	تعداد
بله	۶	۱۴۰	۰	۱۴۶
خیر	۰	۰	۱۹	۱۹
کل	۶	۱۴۰	۱۹	۱۶۵

مقدار کندال: ۰/۰۲۲/۲۶ sig
سطح اطمینان: ۹۵

فرضیه سوم: بین میزان همکاری همسر و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که وقتی همسر فرد با او همکاری بیشتری دارد میزان رضایت زنان از زندگی بیشتر است.

این فرضیه نیز با استفاده از آزمون آماری کندال tau-b مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتیجه‌ی حاصل از آن نشان داد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۲/۴۵- است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۰۱ است می‌توان گفت که بین میزان همکاری همسر و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع فرضیه ما با اطمینان ۰/۹۵ در این جا مورد تأیید قرار گرفت.

	رضایت از زندگی بالا همکاری همسر	متوسط	پایین	تعداد
بسیار زیاد	۰	۰	۵۵	۵۵
زیاد	۰	۰	۳۹	۳۹
متوسط	۶	۰	۴۱	۴۷
کم	۰	۱۷	۰	۱۷
خیلی کم	۰	۰	۷	۷
کل	۶	۱۵۹	۱۰۲	۱۶۵

مقدار کندال: ۰/۰۱-۲/۴۵ sig
سطح اطمینان: ۹۵

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

فرضیه چهارم: بین وضعیت اشتغال (رسمی، پیمانی یا حق التدریس) و میزان رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که شاغلین رسمی از شاغلین پیمانی و حق التدریس رضایت بیشتری از زندگی دارند.

جهت آزمون این فرضیه از آزمون آماری کندال tau-b استفاده گردید که نتیجه‌ی حاصل از تجزیه و تحلیل آن نشان داد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۲/۱۶ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۰۳ است این فرضیه نیز با اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار گرفت.

رضایت از زندگی بالا وضعیت اشتغال	متوسط	پایین	تعداد
رسمی ۱۵۱	۰	۱۴۵	۰
پیمانی کل ۱۶۵	۶	۱۵۹	۱۴

مقدار کندال: ۰/۰۳۲/۱۶ sig
سطح اطمینان: ۹۵

فرضیه پنجم: بین تحصیلات همسر و رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که زنانی که همسرانشان از تحصیلات بالاتری برخوردار هستند رضایت بیشتری از زندگی دارند.

این فرضیه نیز با استفاده از آزمون آماری tau-b کندال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتیجه‌ی حاصل از آن نشان دهنده‌ی آن است که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۱/۴۳- است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۱۵ است این نتیجه حاصل گردید که بین میزان تحصیلات همسر و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد و در نتیجه این فرضیه با اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار نگرفت.

رضایت از زندگی بالا تحصیلات همسر	متوسط	پایین	تعداد
متوسطه دیپلم لیسانس فوق لیسانس و بالاتر کل	۰ ۰ ۶ ۰ ۶	۹ ۳۲ ۸۶ ۰ ۱۵۴	۹ ۳۲ ۹۲ ۰ ۱۶۰

مقدار کندال: ۰/۱۵-۱/۴۳ sig
سطح اطمینان: ۹۵

فرضیه ششم: بین تعداد فرزند و رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که زنانی که فرزند کمتری دارند رضایت بیشتری دارند. این فرضیه نیز با استفاده از آزمون آماری کندال tau-b مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت که نتیجه‌ی حاصل از آن نشان دهنده‌ی این است که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۲/۴۳ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۱۵ است این نتیجه حاصل گردید که بین تعداد فرزند و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ما با اطمینان ۰/۹۵ درصد در این جا مورد تأیید قرار نگرفت.

رضایت از زندگی بالا تعداد فرزند	متوسط	پایین	تعداد
۶	۱۰۲	۰	۱۰۸
۰	۰	۳۲	۳۲
۶	۱۳۴	۰	۱۴۰

مقدار کندال: ۰/۱۵ ۲/۴۳ sig
سطح اطمینان: ۹۵

فرضیه هفتم: بین وضعیت اقتصادی همسر در رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که زنانی که همسرانشان از وضعیت اقتصادی بالایی برخوردار هستند رضایت بیشتری از زندگی دارند.

جهت تحلیل این فرضیه از آزمون آماری کندال tau-b استفاده گردید که نتیجه‌ی تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۲/۵۷ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۰۱ است این امر نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی همسر و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد و در واقع فرضیه ما با اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار گرفت.

رضایت از زندگی بالا وضعیت اقتصادی همسر	متوسط	پایین	تعداد
۰	۱۹	۰	۱۹
۰	۰	۷۳	۷۳
۶	۱۴۲	۰	۱۴۸

مقدار کندال: ۰/۰۱ ۲/۵۷ sig
سطح اطمینان: ۹۵

فرضیه هشتم: بین میزان ساعات کار در رضایتمندی زنان از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنی که زنانی که ساعات کار کمتری دارند از رضایت بیشتری دارند.

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

این فرضیه نیز با استفاده از آزمون آماری tau-b کندال مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتیجه آن نشان می‌دهد که میزان رضایت بیشتر افراد در حد متوسط می‌باشد و با توجه به مقدار کندال که برابر ۰/۶۹۰ است و نیز با توجه به مقدار sig که برابر با ۰/۴۹ است که معنای آن این است که بین میزان ساعت کار و میزان رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود ندارد و در واقع این فرضیه با اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار نگرفت.

رضایت از زندگی بالا ساعات کار	متوسط	پایین	تعداد
کمتر از ۱۲ ساعت	۰	۰	۹
۱۲ ساعت	۰	۱۳	۱۳
۲۴ ساعت	۶	۱۱۰	
۱۱۶			
۴۲ ساعت	۰	۱۶	۱۶
بیش از ۴۲ ساعت	۰	۱۱	۱۱
کل	۶	۱۵۹	۱۶۵

مقدار کندال: ۰/۴۹/۶۹۰ sig

سطح اطمینان: ۹۵

بحث و نتایج

نتیجه گیری

این تحقیق سعی داشت تا به بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان (مطالعه موردی زنان معلم ناحیه یک شهر کرج) بپردازد. روند پژوهش به این ترتیب بوده است که پس از تعاریف و بررسی نظریات و مباحث پیرامون اشتغال زنان به ارائه فرضیات و روش بکار رفته در تحقیق پرداخته‌است. از آنجایی که این تحقیق یک تحقیق تحلیلی - توصیفی بود و جامعه آماری آن تمام زنان معلم ناحیه یک کرج بوده است لذا حجم نمونه انتخابی آن بر اساس فرمول کوکران به تعداد ۲۰۰ نفر از میان معلمان آن ناحیه به شیوه تصادفی ساده انتخاب و در تدوین مطالب تحقیق از منابع و اسناد مربوط به موضوع استفاده شد. همچنین برای جمع آوری اطلاعات آماری تحقیق از پرسشنامه استفاده گردید که یافته‌های آن بر اساس سؤال‌های تحقیق مرتب و طبقه بندی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و همراه با تعبیر و تفسیرهای لازم ارائه گردید

پیشنادهای تحقیق

۱- پژوهش حاضر در مورد رضایتمندی معلمان از زندگی صورت گرفته، نتیجه مهم این تحقیق مبنی بر بالاتر بودن میزان رضایت معلمان رسمی این اندیشه را تقویت می‌کند که معلمان به صورت رسمی استفاده شود.

- ۲- این پژوهش در مورد معلمان ناحیه یک کرج بوده است در پژوهش‌های بعدی پژوهش برای معلمان سراسر کشور مورد بررسی قرار گیرد.
- ۳- برنامه ریزان نظام آموزشی کشور باید اقداماتی در جهت بارورسازی و اعتلای اندیشه و افکار دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به عمل آورند، به گونه‌ای که در اذهان عمومی روحیه حقیقت جویی و ارائه اطلاعات صحیح و دقیق که هدف پژوهش علمی است ایجاد می‌شود. فراهم نمودن شرایطی که در آن افراد بتوانند بدون اضطراب و نگرانی و با آسودگی خیال به پاسخگویی سؤال پژوهشگران بپردازند، کمک بزرگی در جهت رشد پژوهش‌های علمی در ایران خواهد شد.

زیرنویس:

- ^۱. Merton.
- ^۲. Role Set.
- ^۳. Goode.
- ^۴. Role Strain Theory.
- ^۵. The Family as a Role Budget center.
- ^۶. Thoits.
- ^۷. Identity Accumulation Hypothesis.
- ^۸. Social Isolation Hypothesis.
- ^۹. Faris.
- ^{۱۰}. Stryker.
- ^{۱۱}. Symbolic Interactionism Theory.
- ^{۱۲}. Mead.
- ^{۱۳}. Self-Definition

منابع

منابع فارسی

- احمدی نیا، ش. (۱۳۸۲)، بررسی تأثیر اشتغال زنان بر رضایت مندی همسرانشان. انجمن جامعه‌شناسی ایران، چاپ اول، انتشارات نقش جهان.
- روش بلاو، ا و اسپنله. ۱۳۷۲. مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات تاریخی - انتقادی. ترجمه: ا، سروقد مقدم. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول.
- رستگار خالد، ا. (۱۳۸۵). خانواده - کار - جنسیت. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- سلیمانی شبلی، م ر. (۱۳۸۹)، جهانی شدن و بحران هویت و تضعیف تربیت دینی. تهران: موسسه پژوهشی امام خمینی (ره). شماره دوم.

بررسی تأثیر اشتغال و زندگی خانوادگی بر میزان رضایتمندی زنان معلم از زندگی
مطالعه موردی معلمان شاغل آموزش و پرورش ناحیه یک کرج

ساروخانی، ب. (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.

منابع انگلیسی

Rosenbaum, Heidi (Hrsg.). ۱۹۷۸. Seminar: familie and Gegenwart. Frankfurt: suhrkamp.

